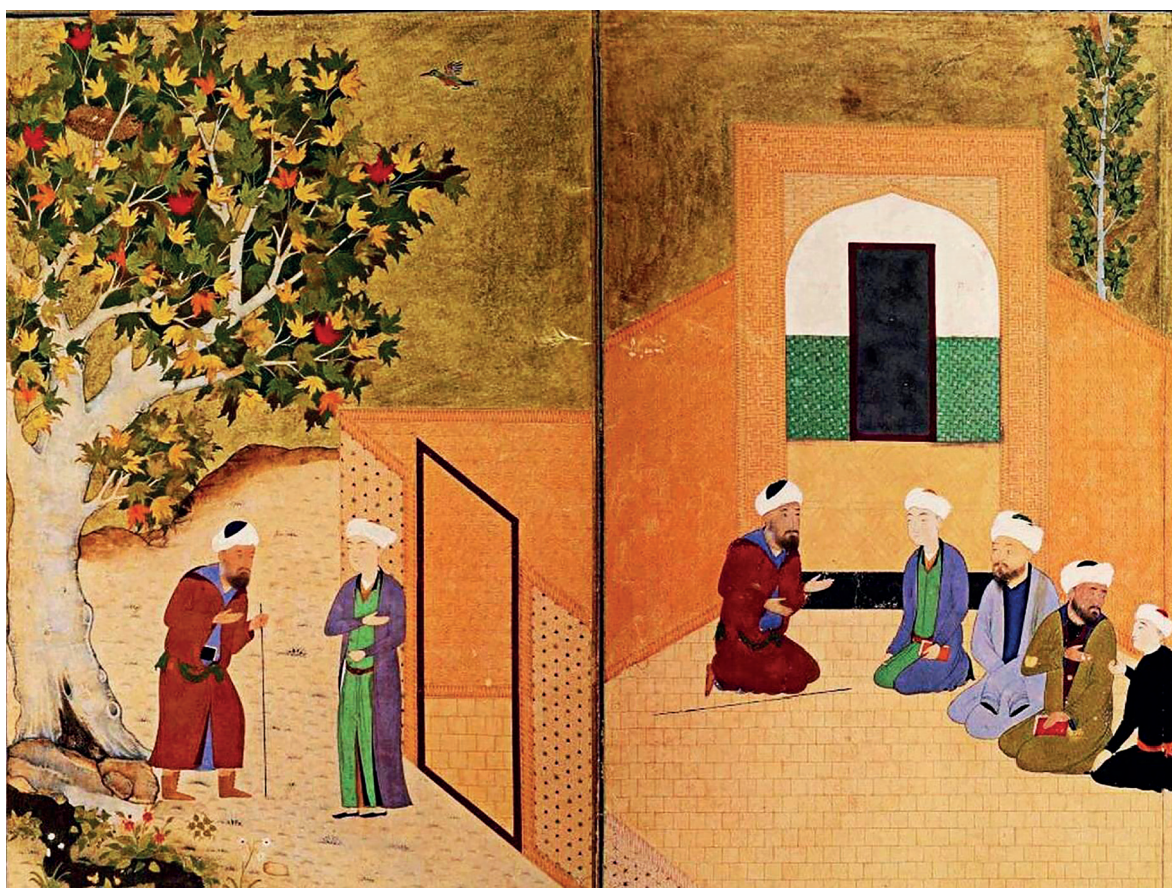


چرا دانشگاه؟! نگاهی به کارکردهای دانشگاه در ایران

آمنه صدیقیان بیدگلی | نویسنده‌ی این مقاله که عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم است با طرح این پرسش که هدف دانشجویان ایرانی در حال حاضر از حضور در دانشگاه چیست؟ و اینکه آیا دانشجویان، دانشگاه را محملی برای برآوردن اهداف مورد نظر خود می‌بینند یا نه؟ در صدد پاسخ به این سوالات بر اساس یافته‌های طرح پژوهشی "ابعاد فرهنگی و اجتماعی کلاس درس" در دانشگاه‌های ایران است. داده‌های کمی موید آن است که دانشجویان دانشگاه‌های ایران آینده‌چندانی برای اشتغال در رشته خود نمی‌بینند ولی هنوز امید به آینده برای آنان جدی است! از اینرو همچنان درس می‌خوانند و به دانشگاه می‌آیند و ادامه تحصیل می‌دهند. در حالی که به نظر می‌رسد دانشگاه برنامه‌ای در برابر این "امید" ندارد. صدیقیان معتقد است که وزارت علوم باید با سیاست‌گذاری مناسب از یک سازمان تولیدکننده‌ی "مدرک بالاتر" فاصله بگیرد و به سوی سازمانی در جهت توسعه فردی و ملی حرکت کند.

دانشگاه یک سازمان اجتماعی است و از کارکردهای فراوان اجتماعی برخوردار است. تأثیرات نهاد دانشگاه بر تحولات اجتماعی قابل انکار نیست، بلکه امروزه نقش ویژه و منحصر به فردی در تربیت دانشجویان و چرخش نخبان دارد. دانشگاه محیط اجتماعی ویژه‌ای دارد که غالباً به عنوان محیط اجتماعی غنی‌تر و دارای افراد با سطح فکر بالاتر نسبت به محیط عمومی جامعه، مورد پذیرش همگان است. برای بسیاری از دانشجویان، دستیابی به این محیط نسبت به درس و تحصیل اولویت بیشتری دارد؛ زیرا در این محیط دانشجویان خود را بهتر شناخته و شخصیت خود را می‌سازند. علاوه بر آن می‌توانند با دانشجویان و اساتید بیشتری آشنا شوند و ارتباط مؤثری در زمینه‌های اجتماعی داشته باشند. فضای اجتماعی دانشگاه نیز دانشجویان را متأثر می‌سازد و ارزش‌های دموکراتیک و تمایل به مشارکت اجتماعی را در دانشجویان سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از انگیزه‌های مهم





نگارگری مکتب هرات
سعدی در جامع کاشغر

ورود دانشجویان به دانشگاه نیز، جنبه‌های مهم محیطی از جمله تعامل با محیط تحصیلی است که می‌تواند در خودآگاهی و اعتمادبه‌نفس دانشجویان مؤثر باشد. هر محیط آموزشی به‌مثابه نهادی اجتماعی و آژانس اجتماعی کننده، نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه مفهوم من اجتماعی، یاددهی مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کند. دانشگاه در همه سطوح، ارزش‌هایی نظیر مسئولیت اجتماعی، پاسخگویی اجتماعی، درگیر بودن اجتماعی و نظایر آن را در اعضا درونی می‌سازد و در آن‌ها آگاهی‌ها و معانی مشترک، رفتارها، کنش‌ها، ارزش‌ها و الگوی عمل را شکل می‌دهد.

هیچ جامعه متمدنی یافت نمی‌شود جز اینکه علم و تولیدات علمی در آن به رشد و نمو رسیده باشد. از سویی آستین در پژوهشی در سال ۱۹۹۷ به این نتیجه می‌رسد که در دروان تحصیل، دانشجویان آزاداندیش‌تر، سیاسی‌تر و به لحاظ اجتماعی دارای پچیدگی بیشتری می‌شوند و برای کار کردن با دیگران شایسته‌تر می‌شوند. یکی از مفاهیمی که در ابعاد فرهنگی دانشگاه به کاررفته، مفهوم فرهنگ یا فرهنگ‌های دانشگاه است که به اعتقاد جامعه‌شناسان عنصری مهم در تحلیل آثار، حرفه و زندگی دانشگاهیان است. دانشجویان زمانی که وارد محیط دانشگاه می‌شوند با فضایی فرهنگی مواجه می‌شوند که این فضا درک آنان را از خود متأثر می‌سازد. گرچه فرهنگ دانشگاهی یکپارچه تجربه نمی‌شود. در واقع تجربه‌های دانشجویان در دانشگاه تحت تأثیر شمار زیادی از عوامل مانند فرهنگ بخش‌ها، سبک‌های آموزشی و غیره قرار دارد. به همین دلیل است که هنگامی که دانشجویان دانشگاه را ترک می‌کنند، دریافت‌ها و نگرش‌های متفاوتی در مقایسه با زمان ورودشان به دانشگاه دارند. ورود به دانشگاه یک رویداد مهم و بسیار حساس در زندگی نیروهای کارآمد و فعال جوان در هر کشوری به شمار می‌آید که غالباً با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و فردی آن‌ها همراه است.

در کنار این تغییرات باید به انتظارات و نقش‌های جدیدی هم اشاره نمود که هم‌زمان با ورود به دانشگاه در دانشجویان شکل می‌گیرد. آشنا نبودن بسیاری از دانشجویان با محیط دانشگاه، جدایی و دوری از خانواده، عدم علاقه به رشته قبولی، ناسازگاری با سایر دانشجویان و اعتمادبه‌نفس ضعیف در محیط دانشگاه، از جمله شرایطی هستند که می‌توانند مشکلات و ناراحتی‌های روانی را در دانشجویان به وجود آورند و باعث افت عملکرد تحصیلی آنان شود.

جامعه ایران به تبع از جامعه جهانی با معیارهای مدرنیته آشنا شده و نشانگرهایی چون توسعه‌یافتگی، عقلانیت، علم‌گرایی، روزآمد شدن برای آن اهمیت یافته است و دچار تحولات بسیاری گردیده است. امروز تخصص‌گرایی یکی از ارزشمندترین ویژگی‌ها در جامعه ایرانی است، پس سیستم آموزشی اعم از آموزش مدرسه‌ای و آموزش دانشگاهی در کشور اهمیت فراوان یافته است و تقاضای اجتماعی برای حضور در این سیستم دانشگاهی تا حد اعلا‌ی آموزش عالی تبدیل به یک تقاضای عمومی و امری همه‌گیر شده است. از سوی دیگر دولتمردان در غالب برنامه‌های توسعه‌ای به گسترش نظام آموزش در کشور پرداخته‌اند. افزایش قابل توجه دانشگاه‌ها و سیستم‌های مختلف دانشگاهی و نیز افزایش قابل توجه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پیرو همین فرایند اتفاق افتاده است. این امر خود منجر به ورود سیل تحصیل‌کردگان دانشگاهی به نظام کار در جامعه می‌گردد. خیل عظیم دانشجویان، دانشگاه‌های متعدد، سرریز فارغ‌التحصیلان جویای کار متناسب با منزلت دانشگاهی خود به بازار کار، میل به داشتن درآمد بالا و نه متناسب با شغل و... همگی از نکات قابل توجه می‌گردند. دانشجویان خود یک امر مهم و یک تجربه اجتماعی بسیار وسیع و همه‌جانبه است. دانشجویان با دنیاهای جدیدی از دانش، شناخت، تعامل، رسانه و تاریخ و جغرافیا آشنا می‌گردند و دچار تغییرات و تحولات ذهنی بسیار می‌گردند.

سؤال اصلی یادداشت حاضر این است که هدف دانشجویان ایرانی در حال حاضر از حضور در دانشگاه چیست؟ و اینکه آیا دانشجویان دانشگاه را محملی برای برآوردن اهداف موردنظر خود می‌بینند؟ برای پاسخ به این دو سؤال از نتایج پژوهشی که نگارنده با عنوان «بعاد فرهنگی و اجتماعی کلاس درس» در دانشگاه‌های ایران انجام داده، استفاده شده است. این پژوهش در قالب برنامه پژوهشی «کلاس درس» در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی انجام شد و نتایج بسیار ارزشمندی به دست داد. مقاله حاضر بخشی از اطلاعات را که به کارکردهای دانشگاه بازمی‌گردد، منعکس می‌کند.

پژوهش برای برآوردن اهداف خود از روش کمی و تکنیک پیمایشی استفاده نموده است. جامعه آماری دانشجویان کلیه دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سرتاسر کشور (به استثنای دانشگاه‌های جامع علمی کاربردی و دانشگاه پیام نور) در ترم پاییز سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است. طبق آخرین آمار موجود نزد موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور، تعداد دانشجویان در کل ۶۵۱۵۲۴ نفر هستند. نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰۰ نفر محاسبه شده است. نحوه انتخاب دانشگاه‌ها و دانشجویان بر اساس شاخص تهیه شده از نسبت دانشجویان به اعضای هیئت علمی است. در نهایت ۱۵ دانشگاه در کل کشور به تصادف برگزیده شده‌اند. با قرار گرفتن این ۱۵ دانشگاه در نمونه، ۱۱ شهر در اقصی نقاط کشور در نمونه قرار گرفته است که عبارت‌اند از شهر تهران (دانشگاه تهران، شهید بهشتی، صنعتی امیرکبیر، علامه طباطبایی)، یاسوج، تبریز، همدان، قائنات، شیراز، بروجرد، سیستان و بلوچستان، گلستان، اردکان و جیرفت.

میانگین سن پاسخگویان ۲۲٫۸ سال است. ۵۰٫۳ درصد پاسخگویان زن و ۴۹٫۷ درصد مرد هستند. به لحاظ مقطع تحصیلی، طبق آمار تنها ۰٫۶ درصد دانشجویان در دوره کاردانی هستند. اکثریت ۵۹٫۱ درصدی دانشجویان کارشناسی هستند. ۳۲٫۹ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد و ۷٫۴ درصد دانشجویان دکتری هستند. گروه علوم انسانی (با ۴۱٫۵ درصد) و سپس فنی مهندسی (با ۳۰٫۶ درصد) بزرگ‌ترین گروه‌های این پژوهش هستند. گروه علوم پایه و پزشکی ۱۴٫۷ درصد و گروه دامپزشکی و کشاورزی نیز ۱۰٫۹ درصد سهمیه از کل را دارا هستند.



انگیزه ورود به دانشگاه

برای پاسخ به این سؤال که هدف اصلی دانشجویان از حضور در دانشگاه چیست به سؤالاتی از انگیزه آنان و نگرش به دانشگاه رجوع می‌کنیم. انگیزه دانشجویان در ورود به دانشگاه یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در عملکرد تحصیلی و انتخاب‌های شغلی است. اینکه، این امر تابع چیست و چه تأثیری بر وضعیت تحصیلی دانشجویان دارد، قابل توجه است. در بخشی از پژوهش از دانشجویان پرسیده شده است: «هر فردی با قصد و انگیزه متفاوتی وارد دانشگاه می‌شود، مهم‌ترین دلیل شما برای آمدن به دانشگاه چیست؟» نتایج قابل توجهی به دست آمده است که در دو اولویت بررسی شده است. نتایج نشان‌دهنده آن است که دلیل حضور در دانشگاه بر دو امر فراگیری مهارت‌های شغلی و آموختن رشته مورد علاقه متمرکز شده است. در تمامی تحلیل‌ها از آماره «میانگین» برای ارائه تحلیل مناسب‌تر استفاده شده است. میانگین‌ها به لحاظ نظری بین ۱-۵ قرار دارند.

به دست آوردن شغل مناسب در اولویت اول ۲۶ درصد و در اولویت دوم ۱۴ درصد انتخاب شده است. کسب مهارت و توانمندی نیز که در راستای مهارت‌های شغلی افراد است در اولویت اول ۵ درصد و در اولویت دوم ۱۳ درصد انتخاب شده است. مهم‌ترین دلیل دیگر آموختن رشته مورد علاقه است که ۳۴ درصد در اولویت اول و ۴ درصد در اولویت دوم آن را انتخاب کرده‌اند.

در گزینه دیگری یادگیری علم و کسب دانش به‌طور محض مورد سؤال قرار گرفته است و در هر اولویت ۱۲ درصد انتخاب شده است. به صورتی می‌توان آموختن رشته موردعلاقه را با یادگیری علم و کسب دانش هم‌راستا دانست، اما در واقع آموختن رشته مورد علاقه در راستای انتخاب شغل مناسب است و یادگیری علم و کسب دانش امری «محض» و جویای دانش و حقیقت است. لذا در واقع می‌توان نگاه به آینده شغلی را اصلی‌ترین انگیزه ورود افراد به دانشگاه دانست.

رسیدن به موقعیت اجتماعی بهتر و کسب پرستیژ بالاتر، کسب مدرک بالاتر و خدمت به جامعه نیز گزینه‌های دیگری هستند که تقریباً با نسبت‌های برابر و البته بسیار پایین‌تری به نسبت گزینه‌های پیش‌گفته، انتخاب شده‌اند. سایر گزینه‌ها هر یک انتخاب بسیار کمی (در حد ۲-۳ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. شاید بتوان درصد پایین انتخاب گزینه‌هایی مانند رهایی از فشارهای خانوادگی، تلاش برای ازدواج بهتر، به تعویق انداختن سربازی، عقب نیفتادن از دیگران و سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت را نکته مثبت و امیدبخش این مجموعه سؤال دانست. در واقع در رابطه با دانشگاه آمدن هدف بیشتر بر کسب دانش یا مهارت‌های شغلی متمرکز شده است و جای امید است که مسائل فرعی (خصوصاً مسئله‌ای مانند رهایی از فشارهای خانوادگی) به نسبت گذشته بسیار کم شده است. بررسی یافته‌ها تا این مرحله نشان‌دهنده آن است که دستیابی به یک شغل مناسب، مهم‌ترین هدف دانشجویان برای ورود به دانشگاه است. این یافته را با یافته‌های بعدی به آزمون می‌گذاریم و در مرحله بعد بررسی می‌کنیم که آیا دانشجویان، دانشگاه را محمل مناسبی برای این امر می‌بینند؟

نگرش دانشجویان به يك دانشگاه خوب

از دانشجویان پرسیده شده است، «تصور آنان از یک دانشگاه مطلوب چیست؟» و گزینه‌هایی در اختیار آنان گذاشته شده است. بیشترین پاسخ‌ها (۴۰ درصد) «ارتقا توانایی و تخصص علمی» دانشجویان را مهم‌ترین ویژگی یک دانشگاه خوب می‌دانند. ۲۸ درصد نیز به‌گونه‌ای مستقیم «تربیت دانشجویان برای اشتغال» را مهم‌ترین ویژگی یک دانشگاه خوب می‌دانند. ۱۲ درصد اجتماعی شدن دانشجویان، ۱۲ درصد تربیت شهروندان خوب و ۹ درصد کمک به فهم حقیقت (به‌عنوان دانش ناب) را انتخاب کرده‌اند. در این پرسش نیز می‌بینیم که نگرش اصلی دانشجویان به دانشگاه نگاه به تخصص علمی و نیز نگاه به آماده‌سازی آن‌ها برای دستیابی به آینده شغلی بهتر است.

رضایت دانشجویان از دانشگاه

رضایت دانشجویان از آیت‌های گوناگونی در دانشگاه در قالب احساسات آنان، سودمندی آموزش‌های دانشگاهی، باسواد شدن، انطباق تجربه فرد از دانشگاه با تصویر ذهنی وی، کمک به یکدیگر در جهت حل مشکلات، رضایت از امکانات، تناسب مقررات با نیازهای روز و نیز یک سؤال کلی در باب میزان رضایت از دانشگاه، به‌عنوان آیت‌های دیگری برای پاسخ‌دهی به دو سؤال موردنظر، بررسی می‌گردد. میانگین رضایت از دانشگاه در قالب یک سؤال کلی ۲,۹ است. یکی از مهم‌ترین نکات این است که آیا دانشجویان از حضور خود در دانشگاه احساس وجود و شادمانی دارد یا خیر؟ میانگین احساس وجود فردی در حد ۳,۳ است و از میانگین رضایت از موقعیت واقعی دانشگاه بالاتر است. در واقع می‌توان گفت، دانشجویان از وضعیت احساسی خود در دانشگاه رضایت نسبی بالاتری دارند تا از موقعیت واقعی دانشگاه خود.

در گویه دیگری پرسیده شده که آنچه در دانشگاه می‌آموزید، چقدر در زندگی شما استفاده می‌شود. میانگین زیر حد متوسط ۲,۸ به دست آمده است و ۳۷ درصد اصلاً یا کم را انتخاب نموده‌اند. از سویی دانشجویان با میانگین ۳ تصور می‌کنند که در دانشگاه باسواد می‌شوند. حتی ۴۶ درصد دانشجویان معتقدند دانشگاه فعلی با تصوراتشان از دانشگاه انطباق ندارد و این گویه میانگین پایین ۲,۵ را به‌دست آورده است. ۵۰ درصد پاسخگویان قوانین و مقررات دانشگاه را متناسب با نیاز دانشگاهی امروزی نمی‌دانند. میانگین ۲,۵ به‌دست آمده نشان‌دهنده نگرش منفی آنان به کاربردی بودن قوانین است.

اعتماد انسان به محیط اطراف و افراد برای این که اگر دچار مشکلی شود به کمک او خواهند آمد، پدیده‌ای انسانی است و نشانی از اهمیت انسان‌ها برای یکدیگر دارد. ۴۹ درصد پاسخگویان گمان می‌کنند اگر در دانشگاه دچار مشکلی شوند کسی نیست که به آن‌ها کمک کند. متأسفانه میانگین پایین ۲,۵ در این گویه به‌دست آمده است که نشانه افت شدید سرمایه انسانی است و بسیار قابل تأمل است.

آخرین سؤال در زمینه رضایت از دانشگاه به رضایت از امکانات بازمی‌گردد. رضایت از امکاناتی مانند آزمایشگاه، کارگاه، خدمات، وسایل و ... نیز پایین و در حد میانگین ۲,۵ است. به‌طور کلی می‌توان گفت دانشجویان با عشق و امید و پس از طی نمودن دوره طولانی تلاش برای قبولی در کنکور وارد دانشگاه می‌گردند، اما بسیار زود با شوک قابل تأملی مواجه شده و می‌بینند که تصوراتش از دانشگاه با واقعیت موجود در دانشگاه متفاوت است و دانشگاه آن‌چنان جایی برای «دانشجویی» یا پاسخگویی به نیازهای شغلی آینده وی نیست.

علاقه به رشته تحصیلی و ادامه تحصیل

انتخاب رشته تحصیلی در ایران، متغیری تابع اختیار و علاقه به رشته و اجبارهای مختلف مبنی بر قبولی، قبولی در دانشگاه بدون شهریه و ... و ناآگاهی و عدم شناخت از رشته‌ها است. لذا به دلایل متعدد طبیعی است که عده‌ای از دانشجویان به رشته خود علاقه‌مند نباشند. ۵ درصد پاسخگویان این پژوهش اصلاً علاقه‌ای به رشته خود ندارند. ۱۱ درصد علاقه کم‌رنگی دارند. در برابر ۳۶ درصد علاقه زیاد و ۲۴ درصد کاملاً به رشته خود علاقه‌مند هستند. میانگین ۳,۶ درصد برای پاسخ‌های دانشجویان به‌دست آمده است. خوشبختانه عده قابل توجهی از دانشجویان به رشته خود علاقه‌مند هستند چراکه عدم علاقه‌مندی به رشته باعث کسب نتایج نامناسبی در تحصیل و اشتغال می‌شود.

از سوی دیگر علیرغم اینکه آن‌چنان رضایتی از دانشگاه در پاسخ‌های دانشجویان دیده نمی‌شد و فارغ از مقطع تحصیلی آن‌ها، درصد قابل توجهی از پاسخگویان علاقه‌مند به ادامه تحصیل هستند. حدود ۲۸ درصد تمایل زیادی دارند و حتی ۳۴ درصد کاملاً علاقه‌مند به ادامه تحصیل هستند. تنها ۱۶ درصد به ادامه تحصیل علاقه‌ای ندارند. میانگین به‌دست آمده برای میل به ادامه تحصیل ۳,۷ است که نشان‌دهنده علاقه افراد برای بالا رفتن در سلسله‌مراتب دانشگاهی است و این موضوع می‌تواند تقویت‌کننده نگرشی باشد که دانشجویان تحصیل را در راستای مسائل شغلی خود مفید می‌بینند.

نگرش به رشته تحصیلی

پاسخگویان با میانگین ۳,۸ درصد تمایل دارند بعد از اتمام تحصیل در رشته خود کار کنند، با میانگین ۲,۹ درصد فکر می‌کنند می‌توانند با مدرک تحصیلی خود کار خوبی پیدا کنند، با میانگین ۳ رشته تحصیلی خود را درآمدزا و دارای بازده اقتصادی می‌دانند و با میانگین ۳,۳ از ارزش و منزلت اجتماعی رشته تحصیلی خود رضایت دارند. پاسخگویان با میانگین ۳,۶ به رشته تحصیلی خود علاقه دارند. ۷۰ درصد اعلام کرده‌اند که خیلی تمایل دارند در زمینه رشته تحصیلی خود کار کنند که این مورد قابل توجه است، اما متأسفانه تنها ۳۲ درصد، یعنی بسیار کمتر از نصف این تعداد اعلام کرده‌اند که احتمالاً با رشته خود می‌توانند کار مناسبی پیدا کنند. حتی ۱۴ درصد تصور می‌کنند اصلاً نمی‌توانند کار خوبی پیدا کنند. به همین ترتیب ۱۳ درصد پاسخگویان رشته خود را اصلاً درآمدزا و دارای بازده اقتصادی نمی‌دانند. تنها ۳۵ درصد آن را از این نظر مناسب و دارای بازده اقتصادی می‌دانند. در رابطه با رشته تحصیلی، نکته مهم دیگر ارزشمندی و منزلت اجتماعی رشته تحصیلی فرد است. حدود نیمی از دانشجویان برای رشته خود ارزشمندی و منزلت اجتماعی قائل‌اند.

جمع‌بندی

نگاه به میانگین‌های کسب شده از گویه‌های مورد نظر این مقاله، با توجه به اینکه میانگین‌ها در فاصله ۳-۵ معنا می‌یابند این امر را به ما نشان می‌دهد. در بررسی شاخص رضایت از دانشگاه این نگرش متوسط به خوبی دیده می‌شود. دانشجویان با میانگین ۲,۹ از دانشگاه رضایت دارند، با میانگین ۳,۳ از دانشجو بودن خود احساس وجد و شادمانی دارند، با میانگین ۲,۸ احساس می‌کنند آنچه در دانشگاه می‌آموزند در زندگی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد، با میانگین ۳ به نظرشان در دانشگاه باسواد می‌شوند؛ اما با میانگین کمتری یعنی ۲,۶ تصوراتی را که از دانشگاه داشته‌اند با واقعیت منطبق می‌بینند، با میانگین ۲,۵ قوانین و مقررات دانشگاه را با نیازهایشان منطبق می‌بینند و با میانگین ۲,۵ از امکانات دانشگاه رضایت دارند. دانشجویان با میانگین ۲,۵ فکر می‌کنند اگر در دانشگاه به مشکلی بخورند، کسانی هستند که برای رفع مشکل آنان تلاش کنند که این امر یک زنگ خطر برای از دست رفتن حس همدلی و نوع‌دوستی در جامعه (خصوصاً سنین جوان و قشر دانشگاهی) است. می‌توانیم با اطمینان کسب مهارت در یک رشته تحصیلی که منجر به اشتغال مناسب گردد را هدف و انگیزه اصلی دانشجویان بدانیم و از سویی می‌توان گفت دانشجویان چندان امیدی به دانشگاه به‌عنوان محمل برآورنده این هدف ندارند. اگر به انگیزه دانشجویان برای ورود به دانشگاه نگاه کنیم مهم‌ترین عوامل ذکر شده عبارت‌اند از به دست آوردن شغل مناسب و یادگیری رشته موردعلاقه تحصیلی. در واقع هر دو انگیزه بر مبنای اشتغال است! از سوی دیگر در بررسی تصورات دانشجویان از یک دانشگاه خوب دیدیم که مهم‌ترین مسئله برای آنان ارتقای توانایی و تخصص علمی و سپس آماده شدن برای اشتغال بود. در این بخش نیز کارکرد آمادگی برای اشتغال را به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد دانشگاه می‌بینیم، اما دانشجویان با میانگین ۳,۶ به رشته دانشگاهی خود علاقه دارند و با میانگین ۳,۷ میل به ادامه تحصیلات دانشگاهی دارند، با میانگین ۳,۸ درصد تمایل دارند بعد از اتمام تحصیل در رشته خود کار کنند، با میانگین ۲,۹ درصد فکر می‌کنند می‌توانند با مدرک تحصیلی خود کار خوبی پیدا کنند. یک نمره اختلاف مابین خواست آن‌ها برای اشتغال در رشته تحصیلی‌شان و امیدشان برای کار در آن رشته وجود دارد. با میانگین ۳ رشته تحصیلی خود را درآمدزا و دارای بازده اقتصادی می‌دانند و با میانگین ۳,۳ از ارزش و منزلت اجتماعی رشته تحصیلی خود رضایت دارند.

هر چند نتایج نشان‌دهنده آن است که آینده‌چندانی در رشته خود یا در اشتغال در رشته خود نمی‌بینند ولی هنوز امید به آینده برای آنان جدی است! همچنان درس می‌خوانند و به دانشگاه می‌آیند و ادامه تحصیل می‌دهند. چرا؟ و برنامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در برابر این «امید» چیست؟ آیا آن چنان که باید این انرژی عظیم و ارزشمند را جدی می‌گیرد؟ باوجود چنین پتانسیلی وزارت علوم باید با سیاست‌گذاری مناسب از یک سازمان تولیدکننده «مدرک بالاتر» فاصله بگیرد و به‌سوی سازمانی در جهت توسعه فردی و ملی حرکت کند. ■